قصد و استاد در هوش مصنوعی

قبلاً بحث کردیم که آیا قصد در هوش پایه می‌آید یا نه، و مسئولیتش هم مستند به چه کسی است؟ موارد بود که مبهم بود و به تعبیر مرحوم آسید محمد فشارکی باید بخیسد! می‌گفتند آسید محمد یک بحث را مطرح می‌کردند؛ کمی که جلو می‌رفتند، می‌گفتند بگذاریم این بحث بخیسد! خیساندن هم چیزی است! بعضی مباحث مطرح شد که گذاشتیم بخیسد؛ یعنی زوایای بحث، واضحتر بشود تا بتوان راجع به آن بهتر قضاوت کرد. الآن انسان‌ها چرا بهنبال این وسائل می‌روند؟ به این خاطر که هم راحتطلب هستند و هم نیاز دارند. انسان راحتطلب، مثلاً تشنه است و باید سر یخچال برود و آب بردارد و بخورد، اما حوصله ندارد. خب اگر یک چیزی پیدا شود که خیلی راحت تا دکمه آن را میزنید، سر یخچال برود و آب را بیاورد و به او بدهد و بخورد، این انسان خوشحال می‌شود، چون راحتطلب است. ولی گاهی نیازهای ضروری است. مثلاً می‌بینید کسی فراموش می‌کند؛ نمی‌تواند گفت وقتی فراموش کرد، راحتطلب است. این یک نقصی است و چیزی است که خداوند متعال در او گذاشته تا بفهمد دستگاه خلقت چه خبر است. بیخود نمی‌گویند «سمی الانسان انسان لانه ینسی»[1]. یعنی چه بسا یکی از اعاجیب آیات الهی، همین نسیان است. مکانیسم آن و خصوصیات آن، قدرتنمایی خداوند متعال است.

خب حالا انسانی که نسیان دارد، نمی‌تواند گفت راحتطلب است. نیاز دارد که نسیان نیاید. او فراموش می‌کند. حالا یک معاون و منشی هوش مصنوعی برای او درست کنید، که تا فراموش کرد، یادش می‌آورد. پروژه نجف تقریباً اینجور چیزی است. یعنی فقیه را کمک می‌کنند. خیلی از جاها هم بایانی‌اش یادش نیست و اشتباه می‌کند؛ بایانی خودش را یادش می‌رود، حدیث یادش می‌رود، اما او به یادش می‌آورد. منشی به این صورت است؛ منشی به او کمک می‌کند و صرف راحتطلبی نیست؛ جاهایی که گیر می‌افتد، او کمک می‌کند و نقص او را برطرف می‌کند.

خب استاد، یک جور دیگری هم می‌شود؛ وقتی فراموش کرد، یک ماشینی، دستگاهی، رباتی به او یادآوری می‌کند. حالا می‌شود یک کاری کنیم که اصلاً فراموش نکند؟ یعنی اگر خودش بود فراموش می‌کرد، [اما کاری کنیم که] اصلاً وقتی ذهنش کار می‌کند، فراموشی سراغش نیاید؛ این هم یک جور است؛ معجونی از راحتطلبی و رفع نیاز است. این، می‌شود یا نمی‌شود؟! چندین دهه است که مفصل راجع به همین، کار می‌کنند که یعنی ذهن و خصوصیات انسان را با ماشین مرتبط کنند، نه اینکه منشی یادش بیاورد، بلکه اصلاً آن دستگاه، به دماغش(مغزش) وصل است و نمی‌گذارد که فراموشی بیاید؛ ذهن او، گسترده شده است. «BCI» می‌گویند؛ «Brain–computer interface»؛ رابط مغز و کامپیوتر. از عجائبی که خداوند متعال در مغز انسان قرار داده، همان انعطاف‌پذیری آن است؛ «Brain plasticity». مغز، حالت انعطاف‌پذیری عجیب و غریبی دارد؛ عجائبی در این انعطاف‌پذیری مغز هست که خودش بحث مفصلی دارد. این دماغی که خداوند متعال در بدن بشر تعبیه فرموده، محل عجائب است که به تعبیر استاد حاج آقای حسنزاده، سخت‌ترین محل جمجمه انسان، این استخوان جلوی پیشانی است که از همه جا سختتر است. بعد می‌فرمودند خداوند متعال پشت این استخوان که محکمترین است، چکار کرده است! بنطاسیای می‌گویند. حس مشترک را هم ظاهراً همان بنطاسیای می‌گویند. خداوند متعال چنین چیزی را در همینجا قرار داده است. الآن در همین عالم مادّه است. این را

چکار کرده‌اند؟ به تعبیری خودشان «Brain implant»، کاشت مغزی است. همانطور که دندان می‌کارند، در مغز هم چیزهایی می‌کارند. الآن چندین ده‌ه هست که دارند کار می‌کنند. از چیزهای عجیب هم همین است؛ نیم ساعت پیش در صفحه ویکی‌پدیا درباره کاشت مغز چیزهایی دیدم که خیلی عجیب است. مرحله‌ای از رشد مگس ای حشرات هست که در پیله می‌رود و خوراک و همه چیزش تمام می‌شود که یک برزخی است - اگر رشد این پرنده‌ها را ببینید، خیلی عجیب است - قشنگ می‌توان این مرحله به برزخ تشبیه کرد. اول کرم است، چیزی می‌خورد و راه می‌رود. بعد در یک پیله‌ای می‌رود. در این پیله، چیزی نمی‌خورد. مدتی در این پیله دارد تغییر هویت می‌دهد. بعد یکدفعه از پیله درمی‌آید و پروانه می‌شود. در این حالت، این ایمپلنت‌ها را در این مگس‌ها قرار می‌دهند برای کارهای نظامی و مانند آن‌ها. یک مگسی است که رها می‌شود و می‌رود. این مگس اطلاعات دشمن را برای این‌ها پخش می‌کند. چنین چیزی را شنیده بودید؟! کاشت و ایمپلنت در شبکه‌های عصبی این کارها را می‌کند. تا این اندازه! یعنی مگس یک رابط اطلاع‌رسان می‌شود. خیلی عجیب است.

---

[1] علل الشرایع , جلد۱ , صفحه۱۵

بازبینی #2
ایجاد شده 3 وات 2025 16:52:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 وات 2025 12:32:46 توسط ... .